

شاخص‌های رشد و نمو و کیفیت توت‌فرنگی (*Fragaria × ananassa* Duch.) پرورش

یافته در فضای آزاد تحت تأثیر هدایت الکتریکی محلول غذایی در کشت بدون خاک

جلیل رحیم دوست^۱، محمد جواد نظری دلجو^{۲*}، موسی ارشد^۲

۱: دانش آموخته گروه علوم و مهندسی باغبانی، واحد مهاباد، دانشگاه آزاد اسلامی، مهاباد، ایران

۲: دانشیار گروه علوم و مهندسی باغبانی، واحد مهاباد، دانشگاه آزاد اسلامی، مهاباد، ایران

*ایمیل نویسنده مسئول: nazarideljou@yahoo.com

چکیده

پژوهش حاضر با هدف تولید دو رقم توت‌فرنگی در شرایط کشت بدون خاک در فضای آزاد تحت تأثیر سطوح مختلف هدایت الکتریکی محلول غذایی انجام گرفت. آزمایش به صورت فاکتوریل بر پایه طرح بلوک‌های کامل تصادفی در چهار تکرار با دو فاکتور رقم (آلبیون و آروماس) و هدایت الکتریکی (۰/۶۵، ۱/۳ و ۱/۹۵ dS/m) انجام شد. در طول آزمایش صفات مختلف رشد و نمو، کیفی و بیوشیمیایی توت‌فرنگی تحت تأثیر تیمارها مورد ارزیابی قرار گرفت. براساس نتایج آزمایش، بیشتر صفات مورد بررسی به طور معنی‌داری تحت تأثیر رقم و غلظت محلول غذایی (هدایت الکتریکی) قرار گرفتند. برهمین اساس بیشترین عملکرد میوه در بوته (۳۱۴/۰۱ گرم) در رقم آروماس حاصل گردید. همچنین در بین سطوح مختلف هدایت الکتریکی، سطح ۱/۳ dS/m تأثیر بهتری بر شاخص‌های رشدی، بیوشیمیایی و عملکردی دو رقم توت‌فرنگی داشت. افزایش هدایت الکتریکی از ۱/۳ به ۱/۹ dS/m منجر به کاهش شاخص‌هایی از جمله سطح برگ (۷۵ درصد)، وزن خشک برگ (۳۱/۵ درصد)، ماندگاری میوه (۱۹ درصد)، شاخص کلروفیل (۹ درصد)، محتوای نسبی آب برگ (۱۴ درصد)، ویتامین ث (۴ درصد) و آنتوسیانین به میزان ۲۸ درصد گردید؛ لیکن نشت یونی، مواد جامد محلول و پرولین در بالاترین غلظت محلول غذایی (EC= 1.9 dS/m) نسبت به غلظت ۱/۳ dS/m به ترتیب به میزان ۱۰، ۲۱ و ۲۴ درصد افزایش یافتند. براساس نتایج آزمایش، غلظت ۱/۳ dS/m به عنوان غلظت بهینه محلول غذایی تأثیر معنی‌داری بر عملکرد و کیفیت میوه توت‌فرنگی تولید شده در فضای آزاد در سیستم کشت بدون خاک داشت.

کلمات کلیدی: توت‌فرنگی، عملکرد، فضای آزاد، کم‌آبی، هایدروپونیک.

مقدمه

در مقایسه با کشاورزی سنتی که امکان کشت در خاک‌های شور، آهکی، غیر حاصلخیز و مناطق کم آب به شدت کاهش می‌یابد، کشاورزی مدرن و تولید در کشت‌های بدون خاک شامل آبکشت (Hydroponic)، آئروپونیک (Aeroponics) و آکوپونیک (Aquaponics) که از محلول‌های غذایی به جای خاک، برای تامین عناصر مورد نیاز گیاه استفاده می‌نماید، می‌تواند راهکار مناسب و سودمندی برای رفع محدودیت‌های آب و خاک و در نتیجه امکان افزایش سطح کشت و عملکرد در واحد سطح باشد (Fussy).

and Papenbrock, 2022). در سال‌های اخیر، کشت بدون خاک به عنوان یک استراتژی امیدوارکننده برای رشد انواع محصولات زراعی و باغی اهمیت فزاینده‌ای پیدا کرده است (Fussy and Papenbrock, 2022). در این سیستم کشت، به دلیل محدودیت ظرفیت بافري مواد مغذی و تأثیر پتانسیل اسمزی محلول غذایی بر رشد و نمو محصول، تعیین غلظت و نسبت متعادل بین عناصر معدنی ضروری است. سطوح بحرانی عناصر معدنی برای بسیاری از محصولات تعیین شده است. لیکن عوامل متعددی روی غلظت نهایی عناصر معدنی محلول غذایی تأثیر گذار هستند. بر همین اساس بستر مورد استفاده (حجم و خواص فیزیکوشیمیایی)، نوع محصول (گیاه و مرحله رشد)، حجم بستر، سیستم‌های کشت، سیستم آبیاری و شرایط آب و هوایی غالب از مهمترین عوامل موثر در تعیین غلظت بهینه عناصر معدنی در کشت بدون خاک است. به طور کلی، محلول‌های غذایی با غلظت کم منجر به کمبود و در غلظت‌های زیاد منجر به جذب بیش از حد مواد مغذی و در نتیجه سمیت، کاهش رشد و عملکرد خواهند گردید (Nguyen et al., 2021).

توت‌فرنگی (*Fragaria × ananassa* Duch.) از خانواده گل‌سرخیان، گیاهی علفی چند ساله با ساقه‌های رونده یا استولون با میوه‌های سرشار از فیبر، آب، ویتامین، آنتی‌اکسیدانت و سایر مواد مغذی است (Zaman et al., 2018). بسته به شرایط آب و هوایی منطقه مورد نظر، و هدف تولید کننده (تازه‌خوری یا فرآوری)، پرورش توت‌فرنگی در هر منطقه می‌تواند به صورت گلخانه‌ای (خاکی و بدون خاک) و یا در هوای آزاد و مزرعه‌ای (عمدتاً بستر خاکی) انجام گیرد (رضوی و خلعتی‌بنا، ۱۳۹۶). با توجه به اهمیت کشت بدون خاک در فضای آزاد در راستای مدیریت بهینه نهاده‌ها به‌ویژه مدیریت کود و مصرف آب، تعیین سطح بهینه عناصر معدنی در قالب هدایت الکتریکی محلول غذایی (Electrical conductivity; EC) با توجه به اطلاعات محدود موجود، امری ضروری و اجتناب ناپذیر است. در آزمایشی تأثیر هدایت الکتریکی محلول‌غذایی در چهار سطح ۱/۵، ۲، ۲/۵ و ۳ (dS/m) روی پارامترهای رشد و نمو و بیوشیمیایی سه اکوتیپ گیاه شیرین بیان (*Glycyrrhiza glabra* L.) در کشت بدون خاک انجام شد، نتایج نشان داد که سطوح مختلف هدایت الکتریکی اکثر صفات مورد بررسی را تحت تأثیر معنی‌دار قرارداد. به‌طوریکه در هر سه اکوتیپ با افزایش هدایت الکتریکی محلول غذایی به ۳ (dS/m)، شاخص‌های ارتفاع و قطر بوته، طول میانگره، سطح برگ و قطر ریشه روند کاهشی نشان داد (ملکزاد و همکاران، ۱۴۰۰). همچنین در تحقیقی Nguyen و همکاران (۲۰۲۱) گزارش کردند که تغییر هدایت الکتریکی محلول غذایی روی گیاه نعنا (*Perilla frutescens*) منجر به کاهش شاخص‌های رشدی، کاهش عناصر غذایی، افزایش محتوای فنل کل، افزایش آنتوسیانین و ظرفیت آنتی‌اکسیدانی شد. در پژوهشی دیگر نیز نظری دلجو و همکاران (۱۳۹۱) با بررسی سطوح مختلف هدایت الکتریکی محلول غذایی در چهار سطح ۰/۷، ۱/۴، ۲/۸ و ۵/۶ (dS/m) روی گیاه به‌لیمو (*Liooia citriodora*)، گزارش کردند که افزایش هدایت الکتریکی محلول غذایی منجر به کاهش هدایت روزنه‌ای، کاهش وزن تر برگ، کاهش سطح برگ، شاخص کلروفیل و افزایش پرولین شد.

همان‌طوری‌که اشاره گردید بیشتر تحقیقات انجام شده در ارتباط با تأثیر هدایت الکتریکی محلول غذایی بر گیاهان باغبانی در شرایط گلخانه بوده و تحقیقات مرتبط با فضای آزاد محدود می‌باشد. بر همین اساس در آزمایش حاضر علاوه بر بررسی امکان کشت بدون خاک توت‌فرنگی در فضای آزاد (بدون سازه و کنترل شرایط محیطی)، مهمترین هدف بررسی تأثیر سطوح مختلف هدایت الکتریکی محلول غذایی بر شاخص‌های رشد و نمو، عملکرد و کیفیت دو رقم توت‌فرنگی در شرایط فضای آزاد بود.

این پژوهش به منظور ارزیابی قابلیت کشت بدون خاک توت‌فرنگی در فضای آزاد تحت تأثیر هدایت الکتریکی محلول غذایی در سه سطح ۱/۳، ۰/۶۵ و ۱/۹۵ (dS/m) و تأثیر آن بر شاخص‌های مورفولوژیکی، عملکرد، ماندگاری و بیوشیمیایی دو رقم توت‌فرنگی پرکشت‌وکار آلبیون (Albion) و آروماس (Aromas)، به صورت فاکتوریل در قالب طرح بلوک‌های کامل تصادفی با ۴ تکرار (۴ گیاه در هر واحد آزمایشی و ۱۶ گیاه در هر تیمار) در فضای آزاد محوطه دانشکده کشاورزی دانشگاه آزاد اسلامی واحد مهاباد با مختصات طول جغرافیایی ۴۵ درجه و ۴۳ دقیقه شرقی و عرض جغرافیایی ۳۶ درجه و ۴۶ دقیقه شمالی طراحی و اجرا گردید. شرایط محیطی محل کشت شامل میانگین دمای روزانه و شبانه به ترتیب برابر ۲۹ و ۱۵ درجه سلسیوس، رطوبت نسبی روزانه و شبانه به ترتیب برابر ۴-۱۵ و ۲۰-۴۵ درصد، شدت نور ۱۲۰-۴۰ هزار لوکس، طی فصول بهار و تابستان متفاوت بود. گیاهچه‌های یک‌نواخت و سالم دو رقم توت‌فرنگی روز خنثی (آلبیون و آروماس) پس از هرس ریشه و برگ‌های خشک شده، با مخلوط قارچکش کاپتان-کاربندازیم ضد عفونی شدند. گیاهچه‌های ضد عفونی شده به کیسه‌های کشت پلی اتیلنی حاوی بستر فیبرنارگیل (الیاف فراوری شده نارگیل) و پرلیت (۵-۳ میلی متر) با نسبت حجمی برابر و با ابعاد ۲۰×۲۰×۵۰ سانتی متر (۴ بوته در هر کیسه) منتقل شدند. محلول غذایی مورد استفاده در سه سطح هدایت الکتریکی بر اساس فرمولاسیون کودی Caruso و همکاران (۲۰۱۱) (جدول ۱) آماده و محلول‌دهی بوته‌ها یک هفته پس از استقرار، با توجه به وضعیت رطوبتی بستر روزانه سه مرتبه (اوایل صبح، اوایل ظهر و عصر) اعمال گردید. با توجه به فرارگرفتن بسترها در معرض هوای آزاد، محلول‌دهی در سه نوبت جهت جلوگیری از خشک شدن بسترها و تنش احتمالی به ریشه‌ها صورت پذیرفت. به طور میانگین، مصرف روزانه هر بوته حدود ۲۸۰ میلی لیتر بود (جدول ۲). pH محلول غذایی در تمامی تیمارها برابر ۵/۸ تنظیم گردید. برای تهیه محلول غذایی از آب دیونیزه حاصل از فیلتراسیون آب آبیاری با دستگاه اسمز معکوس آکواجوی (RO-102, UV-NEW) استفاده گردید. محلول‌دهی بوته‌ها، یک هفته پس از آبیاری با آب معمولی و پس از استقرار کامل بوته‌ها، انجام شد.

جدول ۱- غلظت عناصر معدنی محلول غذایی مورد استفاده در آزمایش بر اساس فرمولاسیون کودی Caruso و همکاران (۲۰۱۱).

هدایت الکتریکی (dS/m)	عناصر پرمصرف	گرم در لیتر	عناصر کم مصرف	گرم در لیتر
۰/۶۵	فسفات پتاسیم	۰/۰۳۴	کلات آهن (٪۶) DTPA	۰/۰۴۲
	نترات پتاسیم	۰/۱۰۳	سولفات مس	۰/۰۰۵
	نترات کلسیم	۰/۲۴۰	سولفات منگنز	۰/۰۰۵۶
	سولفات منیزیم	۱۹/۶۸	سولفات روی	۰/۰۱۰۹
	---	---	اسید بوریک	۰/۰۰۰۷۶
---	---	---	مولبدات سدیم	۰/۰۰۰۳۱
	فسفات پتاسیم	۰/۰۶۸	کلات آهن (٪۶) DTPA	۰/۰۴۲
	نترات پتاسیم	۰/۲۰۶	سولفات مس	۰/۰۰۵

مجله فرایند و کارکرد گیاهی

۰/۰۰۵۶	سولفات منگنز	۰/۴۸۰	نیترات کلسیم	۱/۳
۰/۰۱۰۹	سولفات روی	۰/۳۹۳۶	سولفات منیزیم	
۰/۰۰۰۷۶	اسید بوریک	---	---	
۰/۰۰۰۳۱	مولبدات سدیم	---	---	
۰/۰۴۲	کلات آهن (۰/۶) DTPA	۰/۱۰۲	فسفات پتاسیم	۱/۹۵
۰/۰۰۵	سولفات مس	۰/۳۰۹	نیترات پتاسیم	
۰/۰۰۵۶	سولفات منگنز	۰/۷۲۰	نیترات کلسیم	
۰/۰۱۰۹	سولفات روی	۰/۵۹۰۴	سولفات منیزیم	
۰/۰۰۰۷۶	اسید بوریک	---	---	
۰/۰۰۰۳۱	مولبدات سدیم	---	---	

جدول ۲- مصرف روزانه محلول غذایی (میلی لیتر) به ازای هر بوته توت فرنگی در کشت بدون خاک در فضای آزاد

فروردین	اردیبهشت	خرداد	تیر	مرداد	شهریور
۱۵۰	۱۵۰	۲۰۰	۴۰۰	۴۰۰	۴۰۰

صفات رشد و نمو

برخی شاخص‌های رشدی مانند سطح برگ، سطح ویژه برگ (رابطه ۱)، همچنین وزن خشک برگ و درصد ماده خشک میوه (Ghasemi et al., 2018) مورد سنجش قرار گرفت.

$$\text{Specific leaf area (SLA)} = \frac{\text{Leaf area}}{\text{Leaf dry weight}} \quad (\text{رابطه ۱})$$

اجزاء عملکرد و ماندگاری میوه

اجزاء عملکرد شامل تعداد گل و گل‌آذین در بوته و عملکرد کل در طول آزمایش کنترل و از رابطه ۲ محاسبه گردید (Bagale, 2018).

$$\% \text{ Fruit Set} = \frac{\text{Number of fruit}}{\text{Number of flowers}} \times 100 \quad (\text{رابطه ۲})$$

همچنین درصد میوه‌های غیرقابل فروش یا عرضه به بازار نیز با شمارش تعداد میوه‌های ریز، بدشکل، پوسیده و نارس نسبت به تعداد کل میوه در بوته از روش Bagale (۲۰۱۸) و از رابطه ۳ محاسبه گردید.

$$\% \text{ Non - marketable Fruit} = \frac{\text{Number of fruits not available}}{\text{Total number of fruit}} \quad (\text{رابطه ۳})$$

ماندگاری پس از برداشت میوه نیز در دو دمای ۲ (یخچال) و ۲۲ (انکوباتور) درجه سلسیوس پس از انتخاب میوه‌های هم اندازه و هم شکل انجام گرفت. همچنین کاهش وزن میوه از مهمترین پارامترهای ارزیابی ماندگاری پس از برداشت میوه در دمای ۲ درجه سلسیوس در نظر گرفته شد (Barikloo and Ahmadi, 2018).

صفات فیزیولوژیک

هدایت روزنه‌ای برگ با استفاده از دستگاه هدایت روزنه‌ای سنج قابل حمل (Promoter, USA) و شاخص کلروفیل برگ با

استفاده از دستگاه کلروفیل متر (SPAD Index) اندازه‌گیری شد. همچنین پایداری غشای سلولی یا نشت یونی برگ (Lutts et al., 1996) و محتوای نسبی آب برگ (Ritchie et al., 1990) از آخرین برگ توسعه یافته در زمان گلدهی اندازه‌گیری شد. سنجش اسیدآمینه پرولین به روش Bates و همکاران (۱۹۷۳) با استفاده از معرف نین هیدرین انجام گردید. بدین منظور ۰/۵ گرم از بافت برگ تثبیت شده با نیتروژن مایع و نگهداری شده در فریزر ۸۰- درجه سلسیوس با ۱۰ میلی لیتر اسید سولفوسالسیلیک ۳ درصد در هاون چینی سائیده و هموژنیزه شد. مخلوط حاصل به مدت ۱۰ دقیقه با سرعت ۲۰۰۰ دور در دقیقه سانتریفیوژ گردید. به ۲ میلی لیتر از عصاره صاف شده، ۲ میلی لیتر معرف نین هیدرین و ۲ میلی لیتر اسید استیک اضافه و به مدت یک ساعت در حمام آب گرم با دمای ۱۰۰ درجه سلسیوس قرار داده و پس از یک ساعت جهت خاتمه واکنش به محیط حاوی یخ منتقل شد. در پایان و پس از سرد شدن نمونه‌ها، ۴ میلی لیتر تولوئن به هر کدام اضافه و پس از تکان دادن و تشکیل ۲ فاز مجزا میزان جذب قسمت رنگی فوقانی هر نمونه در طول موج ۵۲۰ نانومتر توسط اسپکتروفتومتر قرائت گردید. غلظت پرولین بر حسب میکرومول بر گرم ماده تر بر اساس منحنی استاندارد پرولین محاسبه گردید. صفات کیفی میوه

مواد جامد محلول (Total soluble Solid (TSS)) میوه، با استفاده از دستگاه رفاکتمتر دستی (Atago Co. Ltd., Tokyo; Japan) در دمای اتاق و بر حسب درجه بریکس (°Brix) و اسیدیته قابل تیتراسیون میوه به روش تیتراسیون با هیدروکسید سدیم اندازه‌گیری شد (Roussos et al., 2011). اسیدیته قابل تیتراسیون میوه بر اساس اسید غالب توت‌فرنگی (اسید سیتریک) بیان گردید. ویتامین ث (اسید آسکوربیک) میوه‌های رسیده قرمز رنگ به روش تیتراسیون با ید در یدور پتاسیم در حضور معرف نشاسته ۱ درصد اندازه‌گیری شد (ماجدی، ۱۳۷۳).

اندازه‌گیری آنتوسیانین نیز به روش اختلاف pH یعنی تهیه بافرهای با pH برابر ۱ و ۴/۵ صورت گرفت (Lee et al., 2005). بر همین اساس مقدار مشخصی از عصاره استخراج شده میوه به‌طور جداگانه با هر یک از بافرها مخلوط و در طول موج‌های ۵۲۰ و ۷۰۰ نانومتر با دستگاه اسپکتروفتومتر (Perkin Elmer UV/VIS Lambda 25; USA) قرائت شد. اختلاف جذب نمونه‌های رقیق شده با استفاده از رابطه ۴ و نتایج برحسب میلی گرم سیانیدین ۳- گلیکوزید در گرم وزن تر معادل رنگدانه اصلی آنتوسیانین از رابطه ۵ گزارش شدند.

$$A = (A_{520nm} - A_{700nm})pH1 - (A_{520nm} - A_{700nm})pH4.5 \quad \text{(رابطه ۴):}$$

$$TCA = (A \times MW \times DF \times 103 / \epsilon \times l) \quad \text{(رابطه ۵):}$$

که در آن:

A: اختلاف جذب از فرمول اول ، MW: جرم مولکولی سیانیدین تری‌گلیکوزید برابر با 449.2 ، DF: ضریب رقت ، 10^3 : تبدیل گرم به میلی گرم ، ϵ : ضریب خاموشی مولی سیانیدین تری‌گلیکوزید برابر با 26900 و l: طول مسیر طی شده در سل برابر با 1cm. تجزیه و تحلیل، همچنین نرمال بودن داده‌های این آزمایش با استفاده از نرم افزار SAS (نسخه 9.1) و مقایسات میانگین‌ها توسط آزمون چند دامنه‌ای توکی در سطح احتمال ۵ درصد انجام شد.

بر اساس نتایج تجزیه واریانس داده‌ها اثر EC بر سطح ویژه برگ، ماده خشک میوه و اثر رقم بر وزن خشک برگ در سطح احتمال ۱ درصد معنی‌دار بود، همچنین سطح برگ تحت تأثیر اثرات متقابل رقم $\times$ EC قرار گرفت. (جدول ۳).

جدول ۳: نتایج تجزیه واریانس برخی شاخص‌های مورفولوژیکی دو رقم توت‌فرنگی در سطوح مختلف هدایت الکتریکی

میانگین مربعات				درجه آزادی	منابع تغییرات
ماده خشک میوه	وزن خشک برگ	سطح ویژه برگ	سطح برگ		
۰/۶۴۴ ^{**}	۱۹/۸۹ ^{ns}	۲۱/۴۲ ^{ns}	۶۸۵۶۶/۴ ^{ns}	۳	اثر بلوک
۱۵/۷۴ ^{**}	۶۹۹/۶۲ ^{**}	۲۹۲۳/۱۴ ^{**}	۱۴۷۷۱۲۴۸ ^{**}	۲	EC محلول غذایی
۵/۹۱ ^{**}	۷۸/۶۶ [*]	۹۰۸/۲۴ ^{**}	۳۷۲۹۳۶۸/۵ ^{**}	۱	رقم
۰/۰۶۴ ^{ns}	۸/۰۷ ^{ns}	۲۳/۶۲ ^{ns}	۳۶۳۱۹۶/۴۲ [*]	۲	EC $\times$ رقم
۰/۱۱۲	۱۱/۰۳	۹/۶۷	۶۳۶۶۹/۰۳	۱۵	خطا
۲/۳۶	۷/۵۲	۵/۵۵	۹/۷۶		ضریب تغییرات (%)
** : معنی‌داری در سطح احتمال ۱ درصد				* : معنی‌داری در سطح احتمال ۵ درصد	
				ns : عدم معنی‌داری	

سطح ویژه برگ: با توجه به جدول مقایسه میانگین داده‌ها مشخص شد که بیشترین سطح ویژه برگ (۷۳/۰۷ سانتی‌متر مربع بر گرم وزن خشک) در $EC=1.3$ dS/m و کمترین سطح ویژه برگ با میزان ۳۵/۳۳ سانتی‌متر مربع در گرم وزن خشک در $EC=1.95$ dS/m مشاهده شد (جدول ۴). سطح ویژه برگ در رقم آلبیون (۶۲/۱۲ سانتی‌متر مربع در گرم وزن خشک) بیشتر از آروماس (۴۹/۸۲ سانتی‌متر مربع در گرم وزن خشک) بود (جدول ۶). همچنین بیشترین وزن خشک برگ (۵۴/۸۱ گرم) در $EC=1.3$ dS/m مشاهده شد. بین هدایت الکتریکی ۰/۶۵ و ۱/۹۵ دسی‌زیمنس بر متر اختلاف معنی‌داری از لحاظ آماری مشاهده نشد (جدول ۴). در بین ارقام مورد بررسی، وزن خشک برگ در رقم آلبیون (۴۵/۹۴ گرم) بیشتر از آروماس (۴۲/۳۲ گرم) بود (جدول ۵). افزایش هدایت الکتریکی تا $EC=1.95$ dS/m منجر به کاهش سطح برگ در هر دو رقم توت‌فرنگی گردید، بر همین اساس بیشترین سطح برگ (۴۶۴۱/۵ سانتی‌متر مربع) در $EC=1.3$ dS/m و رقم آلبیون مشاهده شد و کمترین سطح برگ با میزان ۱۱۴۷/۵ سانتی‌متر مربع در $EC=1.95$ dS/m و رقم آروماس مشاهده شد (شکل ۱).

جدول ۴: مقایسه میانگین برخی صفات مورفولوژیکی دو رقم توت‌فرنگی در سطوح مختلف هدایت الکتریکی

هدایت الکتریکی (dS/m)	سطح ویژه برگ (سانتی‌متر مربع بر گرم وزن خشک)	وزن خشک برگ (گرم در بوته)	ماده خشک میوه (درصد)
۰/۶۵	۵۹/۵۰ ^{b*}	۳۹/۹۸ ^b	۱۲/۸۷ ^c
۱/۳	۷۳/۰۷ ^a	۵۴/۸۱ ^a	۱۵/۶۶ ^a

* میانگین‌های دارای حداقل یک حرف مشترک بر اساس آزمون توکی در سطح احتمال ۱ درصد فاقد اختلاف معنی‌دار هستند.

درصد ماده خشک میوه: بر اساس نتایج بیشترین درصد ماده خشک میوه (۱۵/۶۶ درصد) در $EC=1.3 \text{ dS/m}$ و کمترین میزان ماده خشک میوه با میزان ۱۲/۸۷ درصد در $EC=0.65 \text{ dS/m}$ مشاهده شد (جدول ۴). درصد ماده خشک میوه در رقم آروماس (۱۴/۶۷ درصد) بیشتر از آلبیون (۱۳/۶۷ درصد) بود (جدول ۵).

جدول ۵: مقایسه میانگین برخی صفات مورفولوژیکی و کیفی دو رقم توت‌فرنگی در سطوح مختلف هدایت الکتریکی

رقم	سطح ویژه برگ (سانتی‌متر مربع بر گرم وزن خشک)	وزن خشک برگ (گرم در بوته)	ماده خشک میوه (درصد)	عملکرد میوه (گرم در بوته)	تعداد گل در بوته	ماندگاری میوه در ۲۲ درجه سلسیوس (ساعت)	کاهش وزن میوه در ۲ درجه سلسیوس (درصد)
آلبیون	۶۲/۱۲ ^{a*}	۴۵/۹۴ ^a	۱۳/۶۷ ^b	۲۷۹/۷۱ ^b	۲۵/۵۸ ^b	۸۰ ^a	۲/۹۸ ^a
آروماس	۴۹/۸۲ ^b	۴۲/۳۲ ^b	۱۴/۶۷ ^a	۳۱۴/۰۱ ^a	۲۹/۴۱ ^a	۷۴/۳۳ ^b	۲/۱۴ ^b

* میانگین‌های دارای حداقل یک حرف مشترک بر اساس آزمون توکی در سطح احتمال ۱ درصد فاقد اختلاف معنی‌دار هستند.

با توجه به نتایج تجزیه واریانس داده‌ها مشخص شد که اثر EC و رقم بر عملکرد میوه، تعداد گل در بوته، ماندگاری میوه و کاهش وزن میوه و همچنین اثرات متقابل $EC \times$ رقم بر میزان میوه غیر قابل فروش و ماندگاری میوه در سطح احتمال ۱ درصد و بر تعداد گل در گل آذین در سطح احتمال ۵ درصد معنی‌دار بود (جدول ۶).

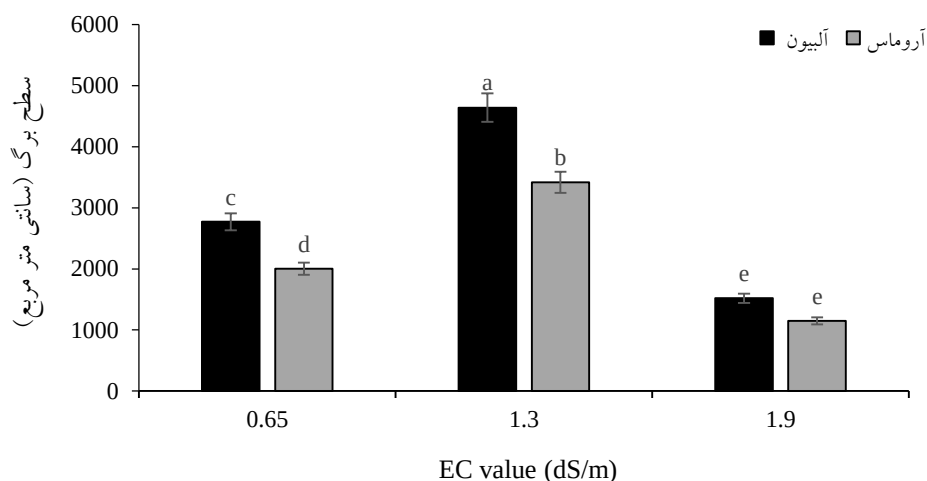
جدول ۶: نتایج تجزیه واریانس عملکرد و اجزای آن و ماندگاری در دو رقم توت‌فرنگی تحت تاثیر سطوح مختلف هدایت الکتریکی محلول غذایی

میانگین مربعات								
منابع تغییرات	درجه آزادی	عملکرد میوه	میوه غیر قابل فروش	تعداد گل آذین	تعداد گل در بوته	ماندگاری میوه در دمای ۲۲ درجه	ماندگاری میوه در دمای ۲ درجه	کاهش وزن میوه در دمای ۲ درجه
اثر بلوک	۳	۶۲۰/۸۰*	۰/۰۷ ^{ns}	۰/۹۳۰**	۱/۴۴ ^{ns}	۴۹۳/۱۵**	۱۰۴/۳۳**	۲/۳۸**
تغییرات EC	۲	۲۸۸۹۶/۵**	۲۳/۵۰**	۱۵/۱۶**	۳۲/۳۷**	۵۵۶۸۱/۷۱**	۲۵۲۰/۶۶**	۱۳/۲۳**
رقم	۱	۷۰۶۱/۳۴**	۸/۴۳**	۹/۳۷**	۸۸/۱۶**	۶۷۲/۰۴**	۱۹۲/۶۶**	۴/۲۳**
تغییرات $EC \times$ رقم	۲	۲۰۷/۷۹ ^{ns}	۳۹/۰۰۸**	۰/۵۰*	۱/۲۹ ^{ns}	۱۲۶/۲۹**	۰/۶۶ ^{ns}	۰/۰۹۷ ^{ns}
خطا	۱۵	۱۴۱/۵۳	۰/۲۵۰	۰/۰۹۷	۲/۲۷	۱۰/۵۵	۸/۰۶	۰/۲۴۰
ضریب تغییرات (%)		۴/۰۰۷	۸/۰۰۸	۵/۲۳	۵/۴۸	۰/۸۸	۳/۶۸	۱۹/۱۳

** معنی‌داری در سطح احتمال ۱ درصد

* معنی‌داری در سطح احتمال ۵ درصد

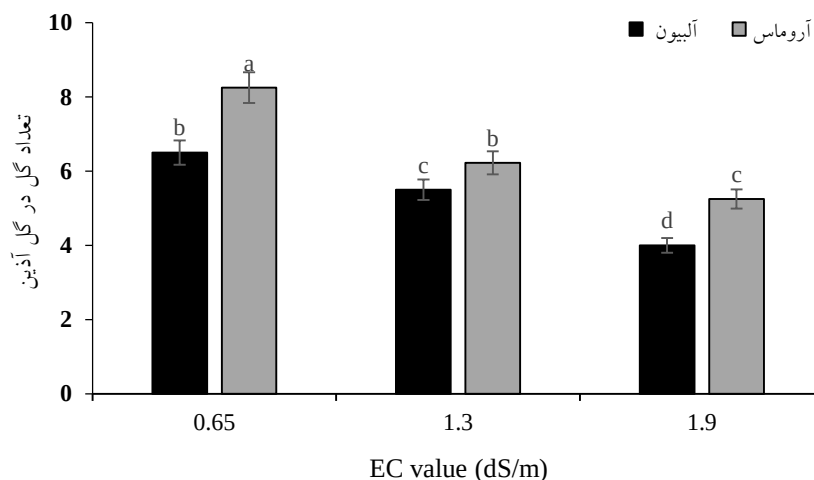
^{ns}: عدم معنی‌داری



شکل ۱: تأثیر هدایت الکتریکی و رقم بر سطح برگ توت‌فرنگی در کشت بدون خاک در فضای آزاد (میانگین‌های دارای حداقل یک حرف مشترک بر اساس آزمون توکی در سطح احتمال ۵ درصد فاقد اختلاف معنی‌دار هستند).

تعداد گل در گل‌آذین: با توجه به نتایج مقایسه میانگین داده‌ها مشخص شد افزایش هدایت الکتریکی منجر به کاهش تعداد گل در گل‌آذین در دو رقم توت‌فرنگی گردید که بیشترین تعداد گل در گل‌آذین (۸/۲۵ عدد) در $EC=0.65 \text{ dS/m}$ و رقم آروماس مشاهده شد و کمترین تعداد گل در گل‌آذین با میزان ۴ عدد در $EC=1.95 \text{ dS/m}$ و رقم آلبیون مشاهده شد (شکل ۲).
تعداد گل در بوته: با توجه به نتایج جدول مقایسه میانگین داده‌ها (جدول ۷) مشخص شد که افزایش هدایت الکتریکی منجر به کاهش تعداد گل در بوته گردید هر چند که بین غلظت‌های ۰/۶۵ و ۱/۳ (dS/m) اختلاف معنی‌داری از لحاظ آماری مشاهده نشد و تعداد کل در بوته در هدایت الکتریکی ۱/۹۵ (dS/m) در کمترین میزان (۲۵/۳۷) بود. همچنین تعداد گل در بوته در رقم آروماس با میزان ۲۹/۴۱ درصد بیشتر از رقم آلبیون با میزان ۲۵/۵۸ بود (جدول ۷).

مجله فرایند و کارکرد گیاهی



شکل ۲: تأثیر هدایت الکتریکی و رقم بر تعداد گل در گل آذین در توت‌فرنگی در کشت بدون خاک در فضای آزاد (میانگین‌های دارای حداقل یک حرف مشترک بر اساس آزمون توکی در سطح احتمال ۵ درصد فاقد اختلاف معنی‌دار هستند).

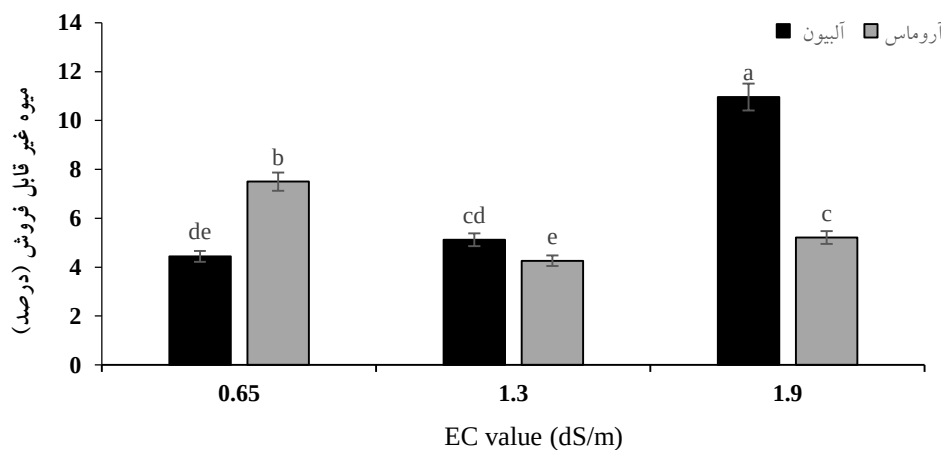
عملکرد میوه: با توجه به نتایج جدول مقایسه میانگین داده‌ها مشخص شد که تأثیر هدایت الکتریکی در ۰/۶۵ و ۱/۳ (dS/m) عملکرد میوه دارای روندی افزایشی بود و بین این دو سطح اختلاف معنی‌داری از لحاظ آماری مشاهده نشد؛ لیکن عملکرد میوه در هدایت الکتریکی ۱/۹۵ (dS/m) دارای روندی کاهشی بود (جدول ۷). عملکرد میوه در رقم آروماس با میزان ۳۱۴/۰۱ درصد بیشتر از رقم آلبیون با میزان ۲۷۹/۷۱ گرم در بوته بود (جدول ۷).

جدول ۷: مقایسه میانگین عملکرد، اجزاء عملکرد و ماندگاری دو رقم توت‌فرنگی در سطوح مختلف هدایت الکتریکی محلول غذایی

تیمار	عملکرد میوه (گرم در بوته)	تعداد گل در بوته	ماندگاری میوه در ۲۲ درجه سلسیوس (ساعت)	کاهش وزن میوه در ۲ درجه سلسیوس (ساعت)
رقم				
آلبیون	۲۷۹/۷۱ ^{b*}	۲۵/۵۸ ^b	۸۰ ^a	۲/۹۸ ^a
آروماس	۳۱۴/۰۱ ^a	۲۹/۴۱ ^a	۷۴/۳۳ ^b	۲/۱۴ ^b
هدایت الکتریکی (dS/m)				
۰/۶۵	۳۲۶/۶۰ ^a	۲۹/۳۷ ^a	۵۹/۵ ^c	۳/۸۴ ^a
۱/۳	۳۳۶/۳۰ ^a	۲۷/۷۵ ^a	۹۵ ^a	۱/۲۷ ^c
۱/۹	۲۲۷/۶ ^b	۲۵/۳۷ ^b	۷۷ ^b	۲/۵۸ ^b

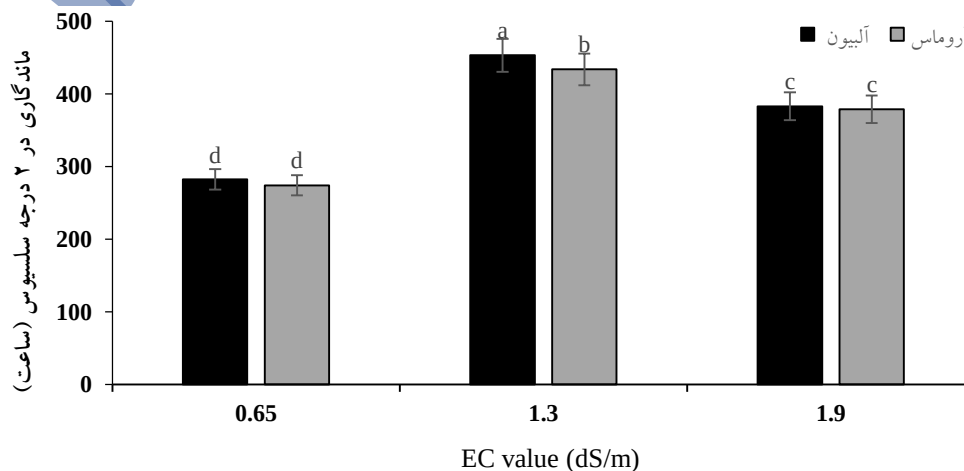
* میانگین‌های دارای حداقل یک حرف مشترک بر اساس آزمون توکی در سطح احتمال ۱ درصد فاقد اختلاف معنی‌دار هستند.

میوه غیر قابل فروش: بر اساس نتایج مقایسه میانگین داده‌ها مشخص شد که بیشترین درصد میوه‌های غیر قابل فروش با میزان $EC=1.95 \text{ dS/m}$ و رقم آلبیون مشاهده شد و کمترین درصد میوه‌های غیر قابل فروش نیز با میزان $4/44$ درصد در $EC=0.65 \text{ dS/m}$ و رقم آلبیون مشاهده شد (شکل ۳).



شکل ۳: تأثیر هدایت الکتریکی و رقم بر درصد میوه غیر قابل فروش در توت‌فرنگی در کشت بدون خاک در فضای آزاد

ماندگاری میوه در دمای ۲ درجه سلسیوس: بر اساس نتایج مقایسه میانگین داده‌ها مشخص شد که بیشترین ماندگاری میوه توت‌فرنگی با میزان $453/25$ ساعت در $EC=1.3 \text{ dS/m}$ و رقم آلبیون مشاهده شد و کمترین ماندگاری میوه توت‌فرنگی در دمای ۲ درجه سلسیوس میزان $378/75$ ساعت در $EC=1.95 \text{ dS/m}$ و رقم آرونماس مشاهده شد (شکل ۴).



شکل ۴: تأثیر هدایت الکتریکی و رقم بر ماندگاری میوه در دمای ۲ درجه سلسیوس در توت‌فرنگی در کشت بدون خاک در فضای آزاد (میانگین‌های دارای حداقل یک حرف مشترک بر اساس آزمون توکی در سطح احتمال ۱ درصد فاقد اختلاف معنی‌دار هستند).

ماندگاری میوه در دمای ۲۲ درجه سلسیوس: با توجه به نتایج مشخص شد که بیشترین ماندگاری در دمای ۲۲ درجه سلسیوس (۹۵ ساعت) در $EC=1.3 \text{ dS/m}$ و کمترین ماندگاری در دمای ۲۲ درجه سلسیوس با میزان ۵۹/۵ ساعت در $EC=0.65 \text{ dS/m}$ مشاهده شد. ماندگاری در دمای ۲۲ درجه سلسیوس در رقم آلبیون (۸۰ ساعت) بیشتر از رقم آروماس (۷۴/۳۳ ساعت) بود (جدول ۷).

کاهش وزن میوه در دمای ۲ درجه سلسیوس: بر اساس نتایج میوه‌های توت‌فرنگی در $EC=0.65 \text{ dS/m}$ دارای بیشترین کاهش وزن با میزان ۳/۸۴ درصد بودند و کمترین درصد کاهش وزن میوه در دمای ۲ درجه سلسیوس با میزان ۱/۲۷ درصد در $EC=1.3 \text{ dS/m}$ مشاهده شد. رقم آلبیون با میزان ۲/۹۸ درصد دارای بیشترین درصد کاهش وزن میوه در دمای ۲ درجه سلسیوس در مقایسه با رقم آروماس (۲/۱۴ درصد) بود (جدول ۷).

با توجه به نتایج تجزیه واریانس داده‌ها مشخص شد که اثرات ساده تغییرات EC و رقم بر هدایت روزنه‌ای، محتوای نسبی آب برگ، شاخص کلروفیل، نشت یونی، مواد جامد کل، اسیدتیة قابل تیتراسیون، ویتامین ث، پرولین و آنتوسیانین کل در سطح احتمال ۱ درصد معنی‌دار گردید اما اثرات متقابل $EC \times$ رقم بر هیچ کدام از شاخص‌های مذکور از لحاظ آماری معنی‌دار نگردید (جدول ۸).

هدایت روزنه‌ای: با توجه به نتایج بیشترین هدایت روزنه‌ای با میزان ۳۳۷/۱۳ میلی‌مول H_2O بر متر مربع بر ثانیه در $EC=1.3 \text{ dS/m}$ مشاهده شد و کمترین هدایت روزنه‌ای با میزان ۲۵۴/۳۷ میلی‌مول H_2O بر متر مربع بر ثانیه در $EC=1.95 \text{ dS/m}$ مشاهده شد (جدول ۹)، رقم آلبیون با میزان ۳۰۸/۰۲ میلی‌مول H_2O بر متر مربع بر ثانیه دارای بیشترین هدایت روزنه‌ای در مقایسه با رقم آروماس (۲۹۳/۰۸ میلی‌مول H_2O بر متر مربع بر ثانیه) بود (جدول ۱۰).

جدول ۸: نتایج تجزیه واریانس برخی شاخص‌های بیوشیمیایی و کیفی دو رقم توت‌فرنگی در سطوح مختلف هدایت الکتریکی

میانگین مربعات (MS)									درجه آزادی	منابع تغییرات
آنتوسیانین کل	پرولین	ویتامین ث	اسیدتیة قابل تیتراسیون	مواد جامد کل	نشت یونی برگ	شاخص کلروفیل	محتوای نسبی آب برگ	هدایت روزنه‌ای		
۰/۳۳ ^{ns}	۰/۶۹ ^{ns}	۲۴/۵۴ ^{**}	۰/۰۰۳ [*]	۰/۲۳ ^{ns}	۳/۲۷ ^{ns}	۶/۰۶ ^{**}	۱/۸۳ ^{ns}	۵۴۴/۳۳ ^{**}	۳	اثر بلوک
۳۵/۱۹ ^{**}	۲۰/۹۶ ^{**}	۴۳۵/۱۸ ^{**}	۰/۱۴ ^{**}	۲۸/۰۳ ^{**}	۲۳۴/۵۷ ^{**}	۲۳۶/۳۷ ^{**}	۱۷۴/۲۷ ^{**}	۱۴۲۵۲/۹۷ ^{**}	۲	EC
۲۴/۷۹ ^{**}	۹/۰۵ ^{**}	۶۳/۳۲ ^{**}	۰/۰۱ ^{**}	۶/۲۰ ^{**}	۱۵۰/۱۵ ^{**}	۲۵/۴۴ ^{**}	۲۴/۴۸ ^{**}	۱۳۴۰/۱۱ ^{**}	۱	رقم
۰/۵۲۹ ^{ns}	۰/۹۲ ^{ns}	۲/۴۴ ^{ns}	۰/۰۰۰۴ ^{ns}	۰/۲۸۶ ^{ns}	۰/۴۲۷ ^{ns}	۰/۶۶۵ ^{ns}	۱/۹۰ ^{ns}	۳۶/۸۳ ^{ns}	۲	EC $\times$ رقم
۰/۲۱۷	۰/۵۱۳	۳/۲۸	۰/۰۰۰۹	۰/۲۸۱	۲/۹۱	۰/۳۹	۱/۵۱	۳۶/۵۶	۱۵	خطا
۳/۶۶	۱۴/۶۶	۳/۳۰	۲/۷۷	۳/۶۲	۲/۵۴	۱/۵۹	۲/۷۷	۲/۰۱		ضریب تغییرات (%)

محتوای نسبی آب برگ: بر اساس نتایج جدول جدول ۱۰ مشخص شد که میوه‌های توت‌فرنگی در $EC=0.65 \text{ dS/m}$ دارای بیشترین محتوای نسبی آب برگ با میزان $48/26$ گرم بر درصد وزن بودند و کمترین محتوای نسبی آب برگ سلسیوس با میزان $39/21$ گرم بر درصد وزن در $EC=1.95 \text{ dS/m}$ مشاهده شد. رقم آلبیون با میزان $45/41$ گرم بر درصد وزن دارای بیشترین محتوای نسبی آب برگ در مقایسه با رقم آرماس ($43/39$ گرم بر درصد وزن) بود (جدول ۱۰).

شاخص کلروفیل: بر اساس نتایج مشخص شد که میوه‌های توت‌فرنگی در $EC=1.3 \text{ dS/m}$ دارای بیشترین شاخص کلروفیل با میزان $44/16$ بود و کمترین درصد شاخص کلروفیل با میزان $33/40$ در $EC=0.65 \text{ dS/m}$ مشاهده شد (جدول ۹). رقم آلبیون با میزان $40/26$ دارای شاخص کلروفیل بیشتری در مقایسه با رقم آرماس ($38/20$) بود (جدول ۱۰).

نشت یونی: نتایج نشان داد که افزایش EC منجر به افزایش نشت یونی در توت‌فرنگی شد به طوریکه بیشترین میزان نشت یونی ($72/75$ درصد) در $EC=1.95 \text{ dS/m}$ مشاهده شد و کمترین نشت یونی ($61/98$ درصد) نیز در $EC=0.65 \text{ dS/m}$ مشاهده شد (جدول ۱۰). رقم آرماس با میزان $69/54$ دارای میزان نشت یونی بیشتری در مقایسه با رقم آلبیون ($64/54$) بود (جدول ۱۰).

مواد جامد محلول: نتایج به دست آمده نشان داد که افزایش EC منجر به افزایش میزان مواد جامد کل در توت‌فرنگی شد به طوری که بیشترین میزان مواد جامد کل ($16/72$ بریکس) در $EC=1.95 \text{ dS/m}$ مشاهده شد و کمترین مواد جامد کل ($13/15$ بریکس) نیز در $EC=0.65 \text{ dS/m}$ مشاهده شد (جدول ۱۰). رقم آرماس با میزان $15/12$ بریکس دارای میزان مواد جامد کل بیشتری در مقایسه با رقم آلبیون ($1/10$ بریکس) بود (جدول ۱۰).

جدول ۹: مقایسه میانگین برخی صفات بیوشیمیایی و کیفی دو رقم توت‌فرنگی در سطوح مختلف هدایت الکتریکی

هدایت الکتریکی (dS/m)	هدایت روزنه ای (میلی مول H_2O بر متر مربع بر ثانیه)	محتوای نسبی آب برگ (درصد)	شاخص کلروفیل (SPAD)	نشت یونی (درصد)	مواد جامد کل ($Brix^\circ$)	اسیدتیة قابل تیتراسیون (درصد)	ویتامین ث (میلی گرم بر ۱۰۰ میلی لیتر آب میوه)	پروکلین (میکرومول بر گرم وزن تر)	آنتوسیانین (میلی گرم در ۱۰۰ گرم وزن تر)
۰/۶۵	۳۱۰/۱۵ ^b	۴۸/۲۶ ^a	۳۳/۴۰ ^c	۶۱/۹۸ ^c	۱۳/۱۵ ^c	۰/۹۷ ^c	۴۶/۴۲ ^c	۳/۱۶ ^c	۱۲/۳۶ ^b
۱/۳	۳۳۷/۱۳ ^a	۴۵/۷۲ ^b	۴۴/۱۶ ^a	۶۶/۳۹ ^b	۱۳/۹۷ ^b	۱/۰۹ ^b	۶۰/۲۶ ^a	۵/۱۲ ^b	۱۴/۹۸ ^a
۱/۹	۲۵۴/۳۷ ^c	۳۹/۲۱ ^c	۴۰/۱۴ ^b	۷۲/۷۵ ^a	۱۶/۷۲ ^a	۱/۲۴ ^a	۵۷/۷۶ ^b	۶/۳۷ ^a	۱۰/۸۳ ^c

میانگین‌های دارای حداقل یک حرف مشترک بر اساس آزمون توکی در سطح احتمال ۱ درصد فاقد اختلاف معنی‌دار هستند.

اسیدتیة قابل تیتراسیون: افزایش EC منجر به افزایش اسیدتیة قابل تیتراسیون در توت‌فرنگی شد به طوریکه بیشترین اسیدتیة قابل تیتراسیون ($1/24$ درصد) در $EC=1.95 \text{ dS/m}$ مشاهده شد و کمترین مواد جامد کل ($0/97$ درصد) نیز در $EC=0.65 \text{ dS/m}$ مشاهده شد (جدول ۱۰). اسیدتیة قابل تیتراسیون: رقم آرماس با میزان $1/12$ درصد دارای اسیدتیة قابل تیتراسیون بیشتری در مقایسه با رقم آلبیون ($1/08$ درصد) بود (جدول ۱۰).

ویتامین ث: میوه‌های توت‌فرنگی در $EC=1.3 \text{ dS/m}$ دارای بیشترین میزان ویتامین ث با میزان $60/26$ میلی‌گرم بر 100 میلی‌لیتر آب میوه بود و کمترین میزان ویتامین ث با میزان $46/42$ میلی‌گرم در 100 میلی‌لیتر آب میوه در $EC=0.65 \text{ dS/m}$ مشاهده شد (جدول ۱۰). رقم آلبیون با میزان $56/44$ میلی‌گرم در 100 میلی‌لیتر آب میوه دارای میزان ویتامین ث بیشتری در مقایسه با رقم آرماس ($53/19$ میلی‌گرم در 100 میلی‌لیتر آب میوه) بود (جدول ۱۰).

پرولین: افزایش EC منجر به افزایش میزان پرولین در توت‌فرنگی شد، به طوریکه بیشترین میزان پرولین ($6/37$ میکرومول بر گرم وزن تر) در $EC=1.95 \text{ dS/m}$ مشاهده شد و کمترین میزان پرولین ($3/16$ میکرومول بر گرم وزن تر) نیز در $EC=0.65 \text{ dS/m}$ مشاهده شد (جدول ۹). همچنین نتایج مقایسه میانگین در جدول ۱۱ نشان داد که رقم آلبیون با میزان $5/50$ میکرومول بر گرم وزن تر دارای میزان پرولین بیشتری در مقایسه با رقم آرماس ($4/27$ میکرومول بر گرم وزن تر) بود.

آنتوسیانین: نتایج به دست آمده نشان داد که بیشترین میزان آنتوسیانین با میزان $14/98$ (میلی‌گرم در 100 گرم وزن تر) در $EC=1.3 \text{ dS/m}$ مشاهده شد و کمترین میزان آنتوسیانین با میزان $10/83$ (میلی‌گرم در 100 گرم وزن تر) در $EC=1.95 \text{ dS/m}$ مشاهده شد (جدول ۹)، نتایج مقایسه میانگین داده‌ها در جدول ۱۱ نشان داد که رقم آلبیون با میزان $13/74$ (میلی‌گرم در 100 گرم وزن تر) دارای بیشترین میزان آنتوسیانین در مقایسه با رقم آرماس ($11/71$ میلی‌گرم در 100 گرم وزن تر) بود.

جدول ۱۰: مقایسه میانگین برخی صفات بیوشیمیایی و کیفی در دو رقم توت‌فرنگی در سطوح مختلف هدایت الکتریکی

رقم	هدایت روزنه‌ای (میلی مول H_2O بر متر مربع بر ثانیه)	محتوای نسبی آب برگ (درصد)	شاخص کلروفیل (SPAD)	نشست یونی (درصد)	مواد جامد محلول کل (Brix°)	اسیدتیة قابل تیتراسیون (درصد)	ویتامین ث (میلی گرم بر 100 میلی‌لیتر آب میوه)	پرولین (میکرومول بر گرم وزن تر)	آنتوسیانین (میلی گرم در 100 گرم وزن تر)
آلبیون	$308/02^a$	$45/41^a$	$40/26^a$	$64/54^b$	$14/10^b$	$1/08^b$	$56/44^a$	$5/50^a$	$13/74^a$
آرماس	$293/08^b$	$43/39^b$	$38/20^b$	$69/54^a$	$15/12^a$	$1/12^a$	$53/19^b$	$4/27^b$	$11/71^b$

میانگین‌های دارای حداقل یک حرف مشترک بر اساس آزمون توکی در سطح احتمال ۱ درصد فاقد اختلاف معنی‌دار هستند.

بحث

نتایج حاصل از مقایسه میانگین در رابطه با صفات بیانگر تأثیر مثبت هدایت الکتریکی تا سطح $1/3$ دسی‌زیمنس بر متر بر شاخص‌های ذکر شده بود؛ در حالی که افزایش هدایت الکتریکی از $1/3$ به $1/95$ (dS/m) باعث کاهش این صفات گردید. بین دو رقم آلبیون و آرماس دارای به طور تقریبی می‌توان گفت که رقم آلبیون در سطوح مختلف هدایت الکتریکی دارای عملکرد بهتری بود هر چند که هر دو رقم در برخی شاخص‌های متفاوت، تأثیرات متفاوتی نشان دادند. به طور کلی می‌توان گزارش کرد که افزایش هدایت الکتریکی تا $1/9$ (dS/m) منجر به ایجاد مشکل (افزایش پتانسیل و تنش اسمزی) در ارقام تحت تیمار گردید، لذا می‌توان بیان نمود که هدایت الکتریکی در سطوح $0/65$ و $1/3$ (dS/m) برای توت‌فرنگی مناسب بودند و سطح $1/3$ (dS/m) نتایج مطلوب‌تری نسبت به سطوح $0/65$ و $1/95$ (dS/m) نشان داد. علاوه بر این می‌توان به این نکته اشاره کرد که افزایش میزان هدایت الکتریکی به $1/95$ (dS/m) اثر کاهشی بر رشد رویشی، اجزاء عملکرد و صفات بیوشیمیایی توت‌فرنگی داشت. افزایش هدایت الکتریکی در

محیط ریشه می‌تواند پتانسیل آب در گیاه و به دنبال آن برگ را کاهش دهد، بنابراین آب کمتری توسط گیاه جذب شده و در نتیجه جریان آب به طرف میوه کاهش می‌یابد (لایق و همکاران، ۱۳۸۸). بنابراین یکی از دلایل کاهش رشد گل و میوه در هدایت الکتریکی ۱/۹۵ (ds/m) در این آزمایش می‌تواند کاهش جریان آب به این اندام‌ها باشد.

از سوی دیگر هدایت الکتریکی مناسب باعث افزایش تورژسانس در بافت‌های گیاهی و همچنین افزایش میزان فتوسنتز در گیاهان گردیده و بدین طریق باعث افزایش نیاز به کربوهیدرات برای رشد می‌شود (Gupta and Huang, 2014). احتمالاً در این آزمایش نیز محدوده مناسب هدایت الکتریکی محلول غذایی ($EC = 1.3 \text{ dS/m}$) منجر به بهبود شاخص‌های مرتبط با ظرفیت فتوسنتزی شامل شاخص کلروفیل، هدایت روزنه‌ای و سطح برگ ارقام توت‌فرنگی در مقایسه با سایر سطوح گردیده است. هدایت الکتریکی بهینه با تقویت ساختار کلروپلاست‌ها، افزایش میزان کلروفیل و پایداری رنگیزه‌های فتوسنتزی، باعث افزایش سطح فتوسنتزی گیاه شده که خود منجر به افزایش تثبیت دی‌اکسیدکربن می‌شود که یکی از عوامل اصلی افزایش رشد و عملکرد گیاهان در اثر هدایت الکتریکی بهینه می‌باشد (مومن‌پور و همکاران، ۱۳۹۴). مطالعات انجام شده نشان داده است که هدایت الکتریکی محلول غذایی در سطح بهینه منجر به رشد فیزیولوژیکی گیاهان از طریق جذب عناصر معدنی، کنترل باز و بسته شدن روزنه‌ها و افزایش تبادل گازهای جوی می‌شود. همچنین علت افزایش هدایت روزنه‌ای با هدایت الکتریکی بهینه افزایش تورژسانس سلولی به دلیل افزایش جذب آب توسط ریشه باشد که تحت سطوح بهینه هدایت الکتریکی محلول غذایی در گیاهان صورت گرفته باشد (Gupta and Huang, 2014). کاهش سطح برگ (منابع تولید) و عدم انتقال مواد یکی از عوامل مهم در کاهش وزن خشک برگ در گیاهان است، روند کاهش وزن خشک برگ همزمان با افزایش سطوح هدایت الکتریکی محلول غذایی که در پژوهش حاضر مشاهده گردید که با نتایج نظری دلجو و همکاران (۱۳۸۶) در یک راستا بود.

نتایج پژوهش حاضر نشان داد که با افزایش سطح هدایت الکتریکی مواد جامد محلول افزایش معنی‌داری می‌یابد. در تایید نتایج این آزمایش، در تحقیقی اثر دو سطح هدایت الکتریکی در دو محلول غذایی در یک محیط کشت بدون خاک در کدو سبز مورد بررسی قرار گرفت، میانگین محتوای کل مواد جامد محلول و اسیدیت در میوه در سطح هدایت الکتریکی بالاتر به طور معنی‌داری بیشتر بود (Liopa-Tsakalidi et al., 2015). همچنین افزایش مواد جامد محلول میوه، ویتامین B₁ و اسیدیت قابل تیتراسیون در گوجه‌فرنگی با افزایش سطح هدایت الکتریکی گزارش شده است (آذرمی و چاپارزاده، ۱۳۹۷). افزایش سطوح هدایت الکتریکی موجب افزایش مواد جامد محلول، اسیدیت قابل تیتراسیون، فعالیت آنتی‌اکسیدانی، فعالیت آنزیم‌های آنتی‌اکسیدانی در گوجه‌فرنگی (Juarez-Lopez et al., 2013; Krauss et al., 2006) و توت‌فرنگی (D'Anna et al., 2003) شد. گزارش شده است که طی شرایط نامساعد محیطی به منظور حفظ جذب آب در گیاهان، با استفاده از تنظیم اسمزی (مواد جامد محلول کل) افزایش می‌یابد. علاوه بر این، افزایش TSS، سازگاری فعال گیاهان برای مقابله با افزایش غلظت عناصر غذایی است و موجب جذب بیشتر آب می‌شود (Krauss et al., 2006). افزایش مواد جامد محلول به دلیل جذب کمتر آب، تقسیم آب کمتر و غلیظ شدن آن است (لولایی و همکاران، ۱۳۹۲). افزایش مواد جامد کل و اسیدیت قابل تیتراسیون همزمان با افزایش سطوح هدایت الکتریکی محلول غذایی که در پژوهش حاضر مشاهده گردید با نتایج Lee و Kader (۲۰۰۰) در گوشت میوه پاپایا و Bagale (۲۰۱۸) در توت‌فرنگی مطابقت دارد. در پژوهشی دیگر نیز گزارش شد که افزایش مواد جامد محلول در گوجه‌فرنگی با هدایت الکتریکی ۴/۵ ds/m ممکن است

رابطه مهمی با ظرفیت میوه‌های تحت تنش برای تجمع اسمولیت‌ها داشته باشد که باعث جذب آب توسط ریشه‌ها می‌شود (Zushi and Matsuzoe, 2011). بنابراین باعث افزایش تولید مواد جامد محلول می‌گردد (Rodríguez et al., 2019).

هدایت الکتریکی عاملی بسیار مهم در محلول غذایی است که می‌تواند رشد و کیفیت گیاه را از طریق تغییر در جذب عناصر غذایی تحت تأثیر قرار دهد (Yu et al., 2016). بنابراین با توجه به نتایج به دست آمده می‌توان استنباط کرد که واکنش منفی صفات مورفولوژیکی به افزایش هدایت الکتریکی ($EC = 1.95 \text{ dS/m}$) در محلول غذایی، در نتیجه تأثیر منفی افزایش املاح موجود در محلول غذایی (عناصر پر مصرف) و سمیت ناشی از آن در سطوح زیاد هدایت الکتریکی باشد. علاوه بر این رابطه آنتاگونیستی بین عناصر غذایی (Currey et al., 2019) می‌تواند عامل مهم دیگری در کاهش رشد در غلظت‌های زیاد باشد، بنابراین احتمالاً در پژوهش حاضر افزایش هدایت الکتریکی از $1/3$ به $1/95 \text{ (dS/m)}$ منجر به اختلال در جذب عناصر غذایی شده و متعاقباً منجر به تأثیر منفی بر شاخص‌های رشدی گیاه شده است. افزایش هدایت الکتریکی منجر به ایجاد تنش اسمزی و سمیت یونی در گیاه و در نتیجه کوچک شدن سطح برگ، کاهش سطح ویژه برگ، افزایش تبخیر و تعرق و غیرفعال شدن برخی از تنظیم‌کننده‌های رشد می‌شود که نتیجه آن، کاهش رشد و عملکرد گیاه است (Abou-Hadid et al., 1995; Ding et al., 2018). اکثر پژوهش‌های انجام شده نشان‌دهنده روند کاهشی اغلب صفات مورفولوژیکی گیاهان در شرایط تنش اسمزی ناشی از افزایش عناصر غذایی موجود در محلول غذایی، در سطوح بالای هدایت الکتریکی در کشت‌های بدون خاک است، به‌طور مثال در گیاه دارویی *Crepidiastrum denticulatum* گزارش شده است که تغییر غلظت عناصر غذایی در محدوده $2/5-2 \text{ (dS/m)}$ منجر به آسیب فیزیولوژیک در این گیاه می‌شود (Sato et al., 2004). در پژوهشی دیگر، تغذیه گیاه *Spathiphyllum wallisii* در سطوح مختلف هدایت الکتریکی نشان داد که واکنش اندام‌های رویشی به سطح الکتریکی $1/2 \text{ (dS/m)}$ در مقایسه با سطوح الکتریکی $2/5$ و 3 (dS/m) مطلوب‌تر است، این پژوهشگران کاهش شاخص‌های رشدی مانند وزن خشک و سطح برگ در سطوح هدایت الکتریکی بالا را در نتیجه کاهش کلروفیل، فتوسنتز و ظرفیت فتوسنتزی بیان کردند (Dewir et al., 2005). دلایل ذکر شده می‌تواند علت کاهش برخی شاخص‌های رشدی گیاه توت‌فرنگی در هدایت الکتریکی $1/95 \text{ (dS/m)}$ باشد و به طور کلی می‌توان بیان نمود که هدایت الکتریکی $1/3 \text{ (dS/m)}$ تأثیر مطلوب‌تری در شاخص‌های رشدی و عملکردی توت‌فرنگی به ویژه در رقم آلبیون داشت.

همانطور که در نتایج پژوهش حاضر مشاهده شد افزایش هدایت الکتریکی تا $1/95 \text{ (dS/m)}$ منجر به افزایش نشت یونی در میوه‌های توت‌فرنگی (ارقام آلبیون و آروماس) شد. تغییرات لیپیدها در ساختار غشاء سلولی موجب افزایش نفوذپذیری غشاء نسبت به یون‌ها و ماکرومولکول‌ها می‌شود، علاوه بر این یکی دیگر از عوامل افزایش نفوذپذیری غشاء نسبت به یون‌ها و ماکرومولکول‌ها کمبود آب است که با تأثیر بر ساختار غشایی موجب افزایش نفوذپذیری در آن می‌شود (دانشمند، ۱۳۹۲). امامی بیستگانی و بخشنده، (۱۴۰۰). بنابراین می‌توان چنین استنباط کرد که در پژوهش حاضر نیز با افزایش هدایت الکتریکی و کاهش جذب آب توسط ریشه موجب افزایش نشت یونی در توت‌فرنگی شده است.

مطالعه حاضر نشان داد که سطح هدایت الکتریکی $1/3 \text{ (dS/m)}$ نتایج بسیار خوبی به‌دنبال داشت. در این تیمار صفات عملکرد کل و عملکرد قابل فروش میوه بالاتر از سطوح $65/0$ و $1/95 \text{ (dS/m)}$ بود. این می‌تواند به دلیل تأثیر مثبت و عدم سمیت این سطح هدایت الکتریکی برای گیاهان باشد. در واقع می‌توان گفت گیاهان دچار تنش نبودند. بوته‌های توت‌فرنگی در این سطح از هدایت

الکتریکی می‌توانند به خوبی رشد کنند. این مورد توسط Caruso و همکاران (۲۰۱۱) مورد بررسی قرار گرفت و مشاهده شد که کمترین هدایت الکتریکی ($EC = 0.381 \text{ dS/m}$) برای تولید میوه توت‌فرنگی در فصل بهار موثر است. درصد میوه‌های غیر قابل فروش یک صفت نامطلوب بوده و افزایش هدایت الکتریکی در پژوهش حاضر منجر به افزایش میوه غیرقابل فروش گردید، نتایج مشابهی توسط Nguyen و همکاران (۲۰۲۱) به دست آمد، این پژوهشگران گزارش کردند که افزایش هدایت الکتریکی تا 1 dS/m عملکرد نعنای ارغوانی (*Perilla frutescens*) و فروش آن تأثیر منفی دارد. کیفیت میوه رابطه مستقیمی با سطح هدایت الکتریکی داشت که مؤید کار تحقیقاتی Caruso و همکاران (۲۰۱۱) در توت‌فرنگی بود. میانگین تعداد میوه‌های قابل فروش در بوته، میانگین وزن تک میوه و درصد ماده خشک میوه به طور قابل توجهی تحت تأثیر سطوح هدایت الکتریکی قرار گرفت. به‌طوریکه ثابت شد هدایت الکتریکی $1/3 \text{ dS/m}$ در افزایش درصد ماده خشک و وزن تک میوه نسبت به هدایت الکتریکی $1/95 \text{ dS/m}$ بهتر است.

با توجه به مشاهدات صورت گرفته در قسمت آنالیز داده‌ها، افزایش ویتامین ث و آنتوسیانین با افزایش هدایت الکتریکی به دست آمد. مطالعات متعدد نتایج مثبت، منفی و یا بدون تغییر در محتوای آنتی‌اکسیدان‌ها شامل ویتامین ث و آنتوسیانین و تعامل با عوامل دیگر مانند رقم و شرایط رشد از جمله درجه حرارت و شدت نور را نشان داده‌اند (Kanayama and Kochetov, 2015).

ویتامین ث یکی از مهمترین فاکتورهای کیفی در بسیاری از محصولات باغی و یک ماده ضروری برای انسان است. بیش از ۹۰ درصد ویتامین ث رژیم غذایی انسان توسط میوه‌ها و سبزیجات از طریق اسید آسکوربیک و دهیدروآسکوربیک اسید تامین می‌شود (Lee and Kader, 2000). در این مطالعه، ویتامین ث روند افزایشی را تا $1/3 \text{ dS/m}$ نشان داد. Ding و همکاران (۲۰۱۸) گزارش کردند که افزایش هدایت الکتریکی روی کلم منجر به افزایش محتوای اسید آسکوربیک می‌شود. در پژوهشی Muller و Hippe (۱۹۸۷) دریافتند که غلظت ویتامین ث با عرضه نیتروژن در کاهو همبستگی مثبت دارد. در پژوهش حاضر سطوح هدایت الکتریکی در اثر تغییر عناصر پرمصرف تغییر پیدا کرد که می‌تواند بر میزان ویتامین ث از طریق تأثیر در عرضه نیتروژن تأثیر گذار باشد. همچنین در پژوهشی Lee و Kader (۲۰۰۰) نشان دادند که بافت‌های گیاهی با دریافت شدت نور بیشتر در طول فصل رشد، محتوای ویتامین ث بیشتری را تولید می‌کنند. شدت نور نسبتاً بالا باعث می‌شود تا کارایی فتوسنتز در گیاهان افزایش یابد که این باعث انتقال بیشتر مواد قندی برای رشد و متابولیسم گیاه می‌شود. بر همین اساس با توجه به اینکه پژوهش حاضر نیز در فضای آزاد و در معرض مستقیم نور انجام گرفت، می‌تواند توجه کننده تغییرات ویتامین ث باشد. گزارش شده است که توت‌فرنگی دارای انواع ضد اکسایش‌های غیرآنزیمی از جمله ویتامین ث، ترکیبات فنولی، فلاونوئیدی، آنتوسیانین، کارتنوئیدها و سایر متابولیسم‌های ثانویه است (Aminifard et al., 2013). در واقع سیستم دفاع غیرآنزیمی برای مهار گونه‌های اکسیژن فعال شامل ترکیبات فنولی، فلاونوئیدها، آنتوسیانین، کارتنوئیدها، ویتامین ث، پرولین و غیره می‌باشد (Daiponmaka et al., 2010). افزایش غلظت این مولکول‌های زیستی نقش مهمی در کاهش آسیب‌های ناشی از تنش‌های محیطی و افزایش تحمل گیاه به این شرایط ایفا می‌کند (Daneshmand et al., 2010). گزارش شده است که افزایش سطوح هدایت الکتریکی در محلول‌های غذایی در گوجه‌فرنگی غلظت فنول، ظرفیت آنتی‌اکسیدانی و کاروتنوئیدها را به‌طور معنی‌داری افزایش داده است (Aminifard et al., 2013). بنابراین با توجه به نتایج به دست آمده از پژوهش حاضر مشاهده می‌شود که ویتامین ث و پرولین تحت افزایش هدایت الکتریکی افزایش پیدا کرده و موجب تولید میوه توت‌فرنگی با کیفیت بالاتر شده است که هر دو رقم تقریباً نتایج نزدیک به هم داشتند.

نتیجه گیری کلی

بر اساس نتایج آزمایش، امکان تولید توت فرنگی در فضای آزاد به روش بدون خاک میسر گردید. همچنین سطح بهینه غلظت عناصر معدنی محلول غذایی (هدایت الکتریکی) نقش مهمی در بهبود پارامترهای رشد و نمو، عملکرد و کیفیت ارقام توت فرنگی مورد بررسی در کشت بدون خاک در فضای آزاد دارد. بر همین اساس محلول غذایی حاوی هدایت الکتریکی برابر $1/3$ (dS/m) برای هر دو رقم مورد بررسی در فضای آزاد، توصیه می گردد.

منابع

- آذرمی، رسول. و چاپارزاده، نادر. (۱۳۹۷). تأثیر شوری و مرحله رسیدن میوه بر برخی خصوصیات کمی و کیفی میوه گوجه فرنگی در سیستم آبکشت. *مجله تولیدات گیاهی (علمی کشاورزی)* ۱۴: ۹۱-۱۰۲.
<https://doi.org/10.22055/ppd.2018.20715.1432>
- امامی بیستگانی، زهره. و بخشنده، عبدالمهدی. (۱۴۰۰). فیزیولوژی تنش های محیطی در گیاهان دارویی. *نشر آموزش (موسسه آموزش و ترویج کشاورزی)*. تهران.
- دانشمند، فاطمه. (۱۳۹۲). اثر پیش تیمار آسکوربیک اسید در گیاه گوجه فرنگی و واکنش به تنش خشکی میزان تنش اکسیداتیو، اسمولیت ها، ترکیبات فنلی و پروتئین. *نشریه زیست شناسی گیاهی ایران* ۵۳-۶۶: ۵(۱۸).
<https://dorl.net/dor/20.1001.1.20088264.1392.5.18.5.7>
- رضوی، فرزانه. و خلقتی بنا، فاطمه. (۱۳۹۶). مدیریت کشت و پرورش توت فرنگی در مزرعه و گلخانه. سازمان جهاد کشاورزی استان چهارمحال و بختیاری، مدیریت هماهنگی ترویج کشاورزی - اداره رسانه های آموزشی، نشریه فنی، ۳۳ص.
- لایق، معصومه. پیوست، غلامعلی. سمیع زاده، حبیب الله. و خصوصی، محمد. (۱۳۸۸). تأثیر شوری محلول غذایی بر رشد، عملکرد و صفات کیفی گوجه فرنگی در سیستم کشت بدون خاک. *مجله علوم باغبانی ایران* ۴۵: ۲۷-۷۷.
<https://dorl.net/dor/20.1001.1.2008482.1388.40.4.2.5>
- مومن پور، علی. بخشی، داوود. ایمانی، علی. و رضایی، حامد. (۱۳۹۴). اثر تنش شوری بر خصوصیات مورفولوژیک و فیزیولوژیک در برخی از ژنوتیپ های انتخابی بادام پیوند شده روی پایه G. *فناوری تولیدات گیاهی* ۱۵: ۷۰۲-۷۹۱.
<https://doi.org/10.22069/jopp.2019.14325.2283>
- ماجدی، محسن. (۱۳۷۳). روش های آزمایش شیمیایی مواد غذایی. *انتشارات جهاد دانشگاهی تهران*. تهران.
- لولایی، ابوالفضل. سماوات، سعید. و حبیبی، شهروز. (۱۳۹۲). بررسی اثر متقابل شوری و کلرید کلسیم بر صفات کیفی و عملکرد توت فرنگی رقم کاماروزا. *فصلنامه پژوهش های علوم گیاهی* ۲۹: ۳۶-۴۸.
<https://dorl.net/dor/20.1001.1.76712423.1392.8.29.4.2>

نظری دلجو، محمد جواد. طباطبایی، جلال. و جابریان همدانی، حمیده. (۱۳۹۱). تأثیر غلظتهای مختلف عنصرهای غذایی و بررسی تولید گیاه دارویی به لیمو (*Lippia citriodora* L.B.K.) در شرایط آبکشت. *مجله علوم و فنون باغبانی ایران* ۱۳: ۳۱۹-۳۳۰.

ملکزاد، سید احمد. تبریزی، لیلا. دلشاد، مجتبی. و عزیزی، الهام. (۱۴۰۰). تأثیر میزان هدایت الکتریکی محلول غذایی بر خصوصیات کمی و کیفی سه اکوتیپ شیرین بیان (*Glycyrrhiza glabra* L.) در کشت هیدروپونیک. *نشریه تولید گیاهان زراعی* ۱۴: ۱۲۷-۱۴۰.

<https://doi.org/10.22069/ejcp.2021.18554.2374>

Abou-Hadid, A. F., Abd-Elmoniem, E. M., El-Shinawy, M. Z., and Abou-Eloud, M. (1995). Electrical conductivity effect on growth and mineral composition of lettuce plants in hydroponic system. *Strategies for Market Oriented Greenhouse Production* 434: 59-66. <https://doi.org/10.17660/ActaHortic.1996.434.6>

Aminifard, M. H., Aroiee, H., Nemati, H., Azizi, M. and Jaafar, H. Z. (2012). Fulvic acid affects pepper antioxidant activity and fruit quality. *African Journal of Biotechnology* 11(68): 13179-13185. <https://doi.org/10.5897/AJB12.1507>

Bagale, K. V. (2018). The effect of electrical conductivity on growth and development of strawberries grown in deep tank hydroponic systems, a physiological study. *Journal of Pharmacognosy and Phytochemistry*, 7(1S), 1939-1944.

Barikloo, H., and Ahmadi, E. (2018). Shelf life extension of strawberry by temperatures conditioning, chitosan coating, modified atmosphere, and clay and silica nanocomposite packaging. *Scientia Horticulturae* 240: 496-508. <https://doi.org/10.1016/j.scienta.2018.06.012>

Bates, L. S., Waldren, R. A., and Teare, I. D. (1973). Rapid determination of free proline for water-stress studies. *Plant and soil* 39: 205-207. <https://doi.org/10.1007/BF00018060>

Caruso, G., Villari, G., Melchionna, G., and Conti, S. (2011). Effects of cultural cycles and nutrient solutions on plant growth, yield and fruit quality of alpine strawberry (*Fragaria vesca* L.) grown in hydroponics. *Scientia Horticulturae* 129(3): 479-485. <https://doi.org/10.1016/j.scienta.2011.04.020>

Currey, C. J., Walters, K. J., and Flax, N. J. (2019). Nutrient solution strength does not interact with the daily light integral to affect hydroponic cilantro, dill, and parsley growth and tissue mineral nutrient concentrations. *Agronomy* 9(7): 389. <https://doi.org/10.3390/agronomy9070389>

Daiponmak, W., Theerakulpisut, P., Thanonkao, P., Vanavichit, A., and Prathepha, P. (2010). Changes of anthocyanin cyanidin-3-glucoside content and antioxidant activity in Thai rice varieties under salinity stress. *Science Asia* 36: 286-291. <http://dx.doi.org/10.2306/scienceasia1513-1874.2010.36.286>

Daneshmand, F., Arvin, M. J., and Kalantari, K. M. (2010). Physiological responses to NaCl stress in three wild species of potato in vitro. *Acta physiologiae plantarum* 32: 91-101. <https://doi.org/10.1007/s11738-009-0384-2>

D'anna, F., Incalcaterra, G., Moncada, A., and Miceli, A. (2003, July). Effects of different electrical conductivity levels on strawberry grown in soilless culture. *In International Symposium on Managing Greenhouse Crops in Saline Environment* 609: 355-360. <https://doi.org/10.17660/ActaHortic.2003.609.53>

Dewir, Y. H., Chakrabarty, D., Ali, M. B., Hahn, E. J., and Paek, K. Y. (2005). Effects of hydroponic solution EC, substrates, PPF and nutrient scheduling on growth and photosynthetic competence during acclimatization of micropropagated *Spathiphyllum* plantlets. *Plant Growth Regulation* 46: 241-251. <https://doi.org/10.1007/s10725-005-0161-1>

Ding, X., Jiang, Y., Zhao, H., Guo, D., He, L., Liu, F. and Yu, J. (2018). Electrical conductivity of nutrient solution influenced photosynthesis, quality, and antioxidant enzyme activity of pakchoi (*Brassica campestris* L. ssp. Chinensis) in a hydroponic system. *PloS one* 13: e0202090. <https://doi.org/10.1371/journal.pone.0202090>

Fussy, A., and Papenbrock, J. (2022). An overview of soil and soilless cultivation techniques—chances, challenges and the neglected question of sustainability. *Plants* 11(9): 1153. <https://doi.org/10.3390/plants11091153>

Ghasemi, K., Emadi, S. M., and Ghasemi, Y. (2018). Effect of different culture media on broccoli (*Brassica oleracea* var. Italica) yield components and mineral elements concentration in soilless culture. *Journal of Horticultural Science* 31(4): 694-704. <https://doi.org/10.22067/jhorts4.v31i4.58860>

- Gupta, B. and Huang, B. (2014). "Mechanism of Salinity Tolerance in Plants: Physiological, Biochemical, and Molecular Characterization. *Hindawi Publishing Corporation International Journal of Genomics* 18: 1-12. <https://doi.org/10.1155/2014/701596>
- Juarez-Lopez, P., Medina-Torres, R., Cruz-Crespo, E., Reed, D. W., Kent, M., Cisneros-Zevallos, L. and Ramirez-Vallejo, P. (2013, June). Effect of electrical conductivity of the nutrient solution on fruit quality of three native tomato genotypes (*Lycopersicon esculentum* var. cerasiforme). In *International Symposium on Growing Media and Soilless Cultivation* 1034: 505-508. <https://doi.org/10.17660/ActaHortic.2014.1034.63>
- Kanayama, Y., & Kochetov, A. (Eds.). (2015). Abiotic stress biology in horticultural plants. New York, NY, USA: Springer. <https://doi.org/10.1007/978-4-431-55251-2>
- Krauss, S., Schnitzler, W. H., Grassmann, J., and Woiatke, M. (2006). The influence of different electrical conductivity values in a simplified recirculating soilless system on inner and outer fruit quality characteristics of tomato. *Journal of Agricultural and Food Chemistry* 54(2): 441-448. <https://doi.org/10.1021/jf051930a>
- Lee S. K. and Kader, A. A. (2000). Preharvest and postharvest factors influencing vitamin C content of horticultural crops. *Postharvest Biology and Technology* 20: 207-220. [https://doi.org/10.1016/S0925-5214\(00\)00133-2](https://doi.org/10.1016/S0925-5214(00)00133-2)
- Lee, J., Durst, R. W., Wrolstad, R. E., and Collaborators, E. (2005). Determination of total monomeric anthocyanin pigment content of fruit juices, beverages, natural colorants, and wines by the pH differential method: collaborative study. *Journal of AOAC international* 88(5): 1269-1278. <https://doi.org/10.1093/jaoac/88.5.1269>
- Liopa-Tsakalidi, A., Barouchas, P., and Salahas, G. (2015). Response of zucchini to the electrical conductivity of the nutrient solution in hydroponic cultivation. *Agriculture and agricultural science procedia* 4: 459-462. <https://doi.org/10.1016/j.aaspro.2015.03.053>
- Lutts, S., J. M. Kinet, J.M. and Bouharmont J. (1996). NaCl-induced senescence in leaves of rice (*Oryza sativa* L.) cultivars differing in salinity resistance. *Annals of Botany* 78: 389-398. <https://doi.org/10.1006/anbo.1996.0134>
- Muller K. and Hippe, J. (1987). Influence of differences in nutrition on important quality characteristics of some agricultural crops. *Plant Soil* 100: 35-45. https://doi.org/10.1007/978-94-009-3627-0_4
- Nguyen, T. K. L., Moon-San, Y. and Myung-Min, O. (2021). Effect of a newly-developed nutrient solution and electrical conductivity on growth and bioactive compounds in *Perilla frutescens* var. crispa. *Agronomy* 11: 1-16. <https://doi.org/10.3390/agronomy11050932>
- Pandey, A. K., Pathak, S., Barman, P., and Tiwari, D. (2019). Influence of macro nutrients and plant growth regulators on biochemical traits and antioxidant production in strawberry. *Journal of Pharmacognosy and Phytochemistry* 8: 1352-1356.
- Ritchie, S. W., Nguyen, H. T., and Holaday, A. S. (1990). Leaf water content and gas-exchange parameters of two wheat genotypes differing in drought resistance. *Crop science* 30: 105-111. <https://doi.org/10.2135/cropsci1990.0011183X003000010025x>
- Rodríguez, F., Pedreschi, R., Fuentealba, C., de Kartzow, A., Olaeta, J. A., and Alvaro, J. E. (2019). The increase in electrical conductivity of nutrient solution enhances compositional and sensory properties of tomato fruit cv. Patrón. *Scientia Horticulturae* 244: 388-398. <https://doi.org/10.1016/j.scienta.2018.09.059>
- Roussos, P. A., Sefferou, V., Denaxa, N. K., Tsantili, E., and Stathis, V. (2011). Apricot (*Prunus armeniaca* L.) fruit quality attributes and phytochemicals under different crop load. *Scientia Horticulturae*, 129: 472-478. <https://doi.org/10.1016/j.scienta.2011.04.021>
- Sato, S., Ikeda, H., Furukawa, H., Murata, Y., and Tomoda, M. (2004). Effects of nutrient solution concentration on inorganic and glycyrrhizin contents of *Glycyrrhiza glabra* Linn. Yakugaku Zasshi: *Journal of the Pharmaceutical Society of Japan* 124: 705-709. <https://doi.org/10.1248/yakushi.124.705>
- Al-Khayri, J. M., & Islam, R. (2018). Genetic improvement of strawberry (*Fragaria* × *ananassa* duch). *Advances in Plant Breeding Strategies: Fruits: Volume 3*, 217-275. https://doi.org/10.1007/978-3-319-91944-7_6
- Yu, J., Jang, I. B., Suh, S. J., and Kweon, K. B. (2016). Effects of nutrient solution on growth and amount of ginsenoside of twoyear old ginseng grown under hydroponic culture. *Korean Journal of Medicinal Crop Science* 24: 198-206. <https://doi.org/10.7783/KJMCS.2016.24.3.198>

Zushi, K. and Matsuzoe, N. (2011). Utilization of correlation network analysis to identify differences in sensory attributes and organoleptic compositions of tomato cultivars grown under salt stress. *Scientia horticulturae* 129: 18-26. <https://doi.org/10.1016/j.scienta.2011.02.011>

Influence of Electrical Conductivity of Nutrient Solution on Growth, Development, and Quality Parameters of Open Field-Grown Strawberry (*Fragaria x ananassa* Duch.) in Soilless Cultivation

Jalil Rahim Doust¹, Mohammad Javad Nazarideljou^{2*} and Mousa Arshad²

¹Master's Degree in Horticultural Science, Mahabad Branch, Islamic Azad University, Mahabad, Iran.

²Associate and Assistant Professor, Department of Horticultural Science, Mahabad Branch, Islamic Azad University, Mahabad, Iran.

*Corresponding author: nazarideljou@yahoo.com

Abstract

This research was conducted with the objective of cultivating two strawberry cultivars under soilless conditions in an open field and examining the influence of varying electrical conductivity (EC) levels in the nutrient solution. The experiment employed a factorial design based on a randomized complete block design with four replications, considering two cultivars (Albion and Aromas) and three EC levels: 0.65, 1.3, and 1.95 (dS/m). Throughout the experiment, we assessed a range of developmental, qualitative, and biochemical traits of strawberries under the various treatment conditions. The results indicated that the majority of the traits examined were significantly affected by both the cultivar type and the concentration of the nutrient solution (EC). Notably, the Aromas variety exhibited the highest fruit yield per plant, recording 314.01 grams. Furthermore, among the different EC levels tested, 1.3 (dS/m) demonstrated superior effects on the growth, biochemical composition, and performance indicators of both strawberry cultivars. An increase in EC from 1.3 to 1.9 (dS/m) resulted in decreased values for several indicators, including leaf surface area (75% reduction), leaf dry weight (31.5% reduction), fruit shelf life (19% reduction), chlorophyll index (9% reduction), relative leaf juice content (14% reduction), vitamin C content (4% reduction), and a substantial 28% reduction in anthocyanin content. Conversely, ion leakage, dissolved solids, and proline content increased by 10%, 21%, and 24%, respectively, at the highest nutrient solution concentration (EC: 1.9 dS/m) compared to the concentration of 1.3 (dS/m). In conclusion, the results of this experiment highlight the significance of maintaining an EC concentration of 1.3 (dS/m) as the optimal nutrient solution concentration for soilless cultivation in an open field. This concentration substantially influenced both the yield and quality of strawberries produced in this particular agricultural system.

Keywords: Dehydration, Hydroponic, Open Field, Strawberry, Yield.